

شده است که صادرات گاز ایران به پاکستان و هند در سال‌های برنامه چهارم توسعه، با وجود مذاکراتی که صورت گرفته بود به نتیجه نرسد. همین سرنوشت را می‌توان در پروژه گازرسانی ایران به اروپا نیز مشاهده کرد (افضلی و کیانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

سیاست‌های ضد غربی ج.ا.ایران و حساسیت‌زایی آن باعث شد که آمریکا از این فرصت در زمینه محروم کردن ایران از ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده کند. فشارهای آمریکا بر هند و پاکستان، نمونه‌ای از این محروم‌سازی‌ها بوده است که بر اساس آن «خط لوله صلح» به بهره‌برداری نرسید و به جای آن «خط لوله تاپی» جایگزین خط لوله صلح شد. در نتیجه ایران نتوانست از این فرصت برای صادرات گاز استفاده کند (افضلی و کیانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). نکته دیگر که در دیپلماسی انرژی باید به آن توجه داشت، بحث «سوآپ انرژی» است که در این حوزه اقدامات مؤثری از سوی ایران انجام نشده است. هرچند که طرح سوآپ نفتی با سرمایه‌گذاری دولت‌های سازندگی و اصلاحات با احداث خط لوله نکا - تهران^(۳) در سال ۱۳۷۶ عملیاتی شد، این طرح در دولت دهم (۱۳۸۹) توسط وزارت نفت متوقف شد (دهقانی فیروزآبادی و دامان‌پاک جامی، ۱۳۹۵: ۵۷).

همچنین برخی از همسایگان در شرایطی که ایران در تحریم بود، توانسته‌اند از شرایط بین‌المللی به نفع خودشان استفاده کنند و به بهره‌برداری یک‌جانبه از این میادین بپردازند. کشورهای اروپایی با شناخت این مسئله که ایران برای توسعه زیرساخت‌های انرژی به سرمایه‌گذاری نیاز دارد، تصمیم گرفتند تا سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به ایران اعمال نمایند. ممنوعیت انتقال فناوری پالایش و تبدیل گاز طبیعی به مایع از جمله این سیاست‌ها بوده است (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲). البته سابقه تحریم در حوزه صنعت نفت و گاز به سال ۱۹۹۶ برمی‌گردد که طبق قانون «داماتو» (ILSA) در سال ۱۹۹۶، سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران ممنوع شد و این رقم یک سال بعد به ۲۰ میلیون دلار رسید. در سال ۲۰۱۰ نیز قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران (CISADA) تصویب شد که به موجب آن، شرکت‌هایی که بیش از ۲۰ میلیون دلار